

الرحمن الرحيم
بسم الله



سازمان اوقاف و امور خیریه

ناشر، تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگ و اجتماع سازمان اوقاف و امور خیریه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

غیرقابل فروش / اهدایی

آدرس مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده شاه سیدعلی

مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی اجتماع سازمان اوقاف و امور خیریه

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگ و اجتماع

تلفن: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۵۶

سایت سازمان: www.oghaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

انقلدك

۶..... ضرورت مطالعه‌ی انقلاب اسلامی

۹..... ضعف در تبیین انقلاب

۱۲..... مبانی فکری انقلاب اسلامی

۱۴..... توحید

۲۰..... تکریم انسان

۲۳..... معاد باوری

۲۶..... باور به استعداد های انسان

۲۷..... جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح

۳۱..... اهداف انقلاب اسلامی

۳۲..... منظومه‌ی اهداف

۳۷..... نسبت آرمان‌گرایی با واقع‌بینی

۳۸..... رابطه‌ی «تکلیف‌مداری» با «دنبال نتیجه بودن»

فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی ۴۰

انقلاب اسلامی ۴۱

نظام اسلامی ۴۳

دولت اسلامی ۴۵

کشور اسلامی ۴۶

تمدن اسلامی ۴۷

موانع انقلاب اسلامی ۴۹

ماهیت موانع ۵۰

دسته‌بندی دشمنان و موانع ۵۲

الف. دشمن بیرونی ۵۲

اشاره‌ای به معنای استکبار ۵۳

چهار علت دشمنی استکبار جهانی با انقلاب اسلامی ۵۴

ب. دشمن درونی ۵۹

لزوم مبارزه با دشمن درونی ۶۱

اهمیت حفظ انقلاب اسلامی ۶۵

حفظ انقلاب؛ حفظ اسلام ۶۶

لوازم صیانت از انقلاب ۶۷

ضرورت مطالعه‌ی انقلاب اسلامی

اگرچه در دوران کنونی و در قرن بیستم میلادی، در سراسر عالم انقلاب‌های گوناگونی به وجود آمد، اما همه چیز انقلاب اسلامی ایران استثنایی بوده و با انقلاب‌های دیگر قابل مقایسه نیست.^۱ انقلاب اسلامی، نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی و نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی و سیاسی است؛ بلکه مثل خودِ اسلام، یک انقلاب همه‌جانبه است. همان‌طوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی و الهی دارد و در عین حال ناظر به زندگی مردم بوده و در آن ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف است. راز ماندگاری و روزبه‌روز زنده‌تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه می‌باشد.^۲

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰

۲. بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴

درباره حادثه‌ی پیروزی انقلاب حرف‌های زیادی زده شده و در طول این سال‌ها مطالبی بسیاری بیان گردیده؛ اما حقیقت این است که هنوز اهمیت، عظمت و ابعاد این حادثه برای خود ما نیز درست روشن نیست. ما می‌دانیم و می‌بینیم این حادثه خیلی عظیم است؛ اما تا وقتی نزدیک هستیم، درست نمی‌توانیم ابعاد آن را درک کنیم. تاریخ قضاوت خواهد کرد. کسانی که این حادثه را از دور می‌بینند و می‌توانند آن را در مجموع حوادث تاریخی مشاهده کنند، به عنوان یک لحظه تاریخی می‌فهمند این حادثه چقدر عظیم است.^۱ ما اگرچه با همه‌ی وجود این انقلاب را لمس کرده‌ایم، اما تحلیل و قضاوت‌مان درباره‌ی آن کمتر از بیگانگانی است که از دور و نزدیک، با این انقلاب ارتباط پیدا کردند. البته در میان بیگانگان تحلیل‌گر و قضاوت‌کننده، عده‌ی زیادی بودند و هستند که با دیدگاهی مغرضانه وارد شدند. با این حال

حقیقتاً باید اعتراف کنیم که امروز تحلیل و تفسیر انقلاب، کاری است که دشمنان انقلاب بیشتر از ما به آن پرداخته‌اند. البته قصد آن‌ها از این تحلیل و تفسیر این بوده که پیام انقلاب را عوض کنند و حقیقتی را که به دست خود ملت اتفاق افتاده و در منظر آن‌هاست، غلط جلوه دهند.^۱

یقیناً اغلب ما هنوز نمی‌دانیم چه کار عظیمی انجام گرفته است. این انقلاب، حادثه‌ی فوق‌العاده و عجیبی است. همه‌ی دنیای استکبار و طغیان و جاهلیت یک طرف و این انقلاب طرف دیگر. واقعه‌ی خیلی مهمی اتفاق افتاده است و در خودش این کفایت را می‌بیند که به مصاف تمام طغیان و کفر جهانی برود. ما در این انقلاب قرار گرفته‌ایم و نمی‌فهمیم چه قدر بزرگ و مهم است.^۲

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴

ضعف در تبیین انقلاب

این انقلاب، با این عظمت و ابعاد و آثار عملی، از لحاظ ارائه‌ی مبانی فکری خودش، یکی از ضعیف‌ترین و کم‌کارترین انقلاب‌ها و بلکه تحولات دنیاست. وقتی انقلاب اکثراً تحقق پیدا می‌کند، در طول ده پانزده سال، آن قدر کتاب و فیلم و قصه و جزوه در سطوح مختلف راجع به مبانی فکری این انقلاب نوشته می‌شود که در کشورهایی که باد آن انقلاب به آن‌ها رسیده، دیگر مردم احتیاجی ندارند از کتاب‌های آن‌ها استفاده کنند! آن قدر فضای ذهنی پُر شده است که روشن فکرهای کشورهای دیگر می‌نشینند و راجع به مبانی ارزشی و فکری آن‌ها کتاب می‌نویسند! به همین دلیل در دهه‌های گذشته، در ایران درباره‌ی مبانی فکری انقلاب شوروی، به زبان فارسی کتاب‌های زیادی نوشته شد. صاحبان آن انقلاب آن قدر نوشتند که روشن فکرهایی که در اینجا به نحوی از لحاظ فکری با آن‌ها ارتباط پیدا می‌کردند، به جهت اندیشه اشباع می‌شدند و بعد یک آدم مثلاً دست به قلم و

روشن فکر، براساس جوشش فکری خود مطالبی - غیر از ترجمه های فراوانی که از آثار آن ها می شد - می نوشت.

ما چه کار کردیم؟ کاری که ما در این زمینه کردیم، واقعاً خیلی کم است. گاهی انسان دلش نمی آید که بگوید در حد صفر؛ چون واقعاً کسانی با اخلاص کارهایی کرده اند؛ اما اگر نخواهیم ملاحظه ی این جهات عاطفی را بکنیم، باید بگوییم یک ذره بیشتر از صفر و خیلی خیلی کم کار شده است. البته، این کم کاری دلایلی دارد مانند اینکه بعضی از روشن فکران و متفکران اصلی را در همان اول انقلاب از ما گرفتند و بعضی از آن ها نیز مشغول کارهای گوناگون اجرایی شدند؛ اما اساس قضیه این است که ما تولید نکردیم. می بایست در طول سال هایی که از انقلاب گذشت، صدها نویسنده ی اسلامی، مبانی اسلامی انقلاب ما را نوشته و منتشر می کردند.^۱ البته تاکنون

۱. بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه ی علمیه ی قم، ۱۳۶۸/۰۷/۰۹

چنین کاری نشده و اگر هم شده، اندک است؛ اما انجام نشدن این کارها نباید مانع فهمیدن حقایق از طرف جوانان گردد. جوانان باید حرف‌هایی را که از طرف بزرگان انقلاب راجع به انقلاب، در طول این سال‌ها زده شده است، بشنوند و آن‌ها را مورد تأمل قرار دهند.^۱

انقلاب اسلامی

مبانی فکری انقلاب اسلامی

[۱]

انقلاب اسلامی و حرکت آن و وظایف ما نسبت به آن بر پایه‌ها و مبانی مشخصی استوار است. این خصوصیت تفکر و مکتب اسلامی و دینی است. آن مبنای فکری چیست؟

به طور کوتاه و خلاصه از اینجا باید شروع کنیم و ببینیم که خطوط اصلی تلقی و بینش اسلام از کائنات، عالم و از انسان چیست. البته این مخصوص اسلام هم نیست. همه‌ی ادیان اگر تحریف نشده باشند در مبنای صحیح و ریشه‌ی اصلی خودشان همین بینش را دارند. اسلام سالم و دست نخورده و متکی به منابع متقن، در اختیار ماست. بقیه‌ی ادیان ممکن است این خصوصیات را نداشته باشند. آن مجموعه‌ی معارفی که خطوط اصلی عملکرد و وظایف ما از آن‌ها به دست می‌آید یعنی جهان‌بینی و بینش اسلامی فصول متعددی دارد که به پنج نقطه‌ی مؤثرتر و مهم‌تر آن اشاره می‌شود.^۱

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹ / ۰۹ / ۱۲

توحید

لُبُّ روح و حقیقت اسلام، توحید است^۱ انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است و محتوای این اصل در همه شئون جامعه سایه می افکند.^۲ بنای توحید مبنای فکری و اعتقادی و اجتماعی و عملی ماست.^۳ توحید، یعنی اعتقاد به اینکه این ترکیب پیچیده‌ی بسیار عجیب و شگفت‌آور و قانونمند کائنات و عالم آفرینش، از کهکشان‌ها و سحابی‌ها و حفره‌های عظیم آسمانی و کرات بی‌شمار و میلیون‌ها منظومه‌ی شمسی بگیرد تا سلول کوچک و ترکیب ریز شیمیایی، ساخته و پرداخته‌ی یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است. نقطه‌ی بعدی اینکه این فکر و تدبیر و اندیشه و قدرت عظیم و بی‌نهایت و توصیف ناپذیری که این ترکیب عجیب و پیچیده را به وجود آورده، فلان بت ساخته‌ی بشر، یا فلان انسانِ محدود مدعیِ خدایی، یا فلان سمبل و نمادِ افسانه‌ای و اسطوره‌ای نیست؛

۱. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۷۴/۰۱/۱۶

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص ۸۱، [مصاحبه با روزنامه «السفیر» پیرامون انقلاب، ابر قدرت‌ها و رژیم صهیونیستی]

۳. بیانات در دیدار با جمع کثیری از دانشجویان و طلاب حوزه‌های علمیه، ۱۳۶۸/۰۹/۲۹

بلکه ذات واحد مقتدر لایزال است که ادیان به او «خدا» می‌گویند و او را با آثارش می‌شناسند؛ «هو الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون»^۱.

مبنای توحید و اعتقاد به وحدانیت حضرت حق جلّ و علا، در تمام شئون فردی و اجتماعی جامعه‌ی اسلامی تأثیر می‌گذارد و آن را به صورت یک جامعه‌ی هماهنگ و مرتبط به یکدیگر و متصل و برخوردار از وحدت - وحدت جهت و وحدت حرکت و وحدت هدف - می‌سازد. این جوامع، نقطه‌ی مقابل تأثیر شرک و مشرکان و آلهه‌ی شرک‌آفرین هستند.^۲ جامعه‌ای که بر مبنای شرک باشد، میان آحاد و طوایف انسان، یک دیوار غیرقابل نفوذ و یک دره‌ی جدایی غیرقابل وصل وجود دارد. درست به عکس آن در جامعه‌ی توحیدی، که وقتی مبدأ و صاحب هستی و سلطان عالم وجود و حی و قیومی و قاهری که همه‌ی حرکات و پدیده‌های عالم، مرهون اراده و قدرت او می‌باشد، یکی است، انسان‌ها - چه سیاه و چه سفید و چه نژادهای گوناگون و وضعیت اجتماعی مختلف - با یکدیگر خویشاوندند؛ چون به

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از دانشجویان و طلاب حوزه‌های علمیه، ۱۳۶۸/۰۹/۲۹

آن خدا وصالند، به یکجا متصلاند و از یکجا مدد و کمک می‌گیرند. این، نتیجه‌ی قهری اعتقاد به توحید است.

در این دیدگاه، نه فقط انسان‌ها به یکدیگر مرتبط‌اند، بلکه با نگاه و نگرش توحیدی، اشیا و اجزای عالم و حیوانات و جمادات و آسمان و زمین و همه چیز، به یکدیگر متصل و مرتبط‌اند و همه با انسان خویشاوندند. بنابراین، همه‌ی آنچه که انسان می‌بیند و احساس و درک می‌کند، یک افق و یک عالم و یک مجموعه است که در یک دنیای سالم و یک محیط امن قرار می‌گیرد. اینکه در قرآن می‌فرماید: «یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام»، کسانی که به خدا ایمان پیدا کنند، خداوند آن‌ها را هدایت می‌کند و به راه‌های سِلم و همزیستی سوق می‌دهد، به خاطر مبنای توحیدی جامعه‌ی اسلامی است.

ولایت هم معنایش همین است. ولایت، یعنی پیوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیرقابل انفصال انفکاک. جامعه‌ی اسلامی که دارای ولایت است، یعنی همه‌ی اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه یعنی ولی، متصل است. لازمه‌ی همین ارتباط و اتصال است که جامعه‌ی اسلامی در درون خود یکی است و متحد و مؤتلف و متصل به هم است و در بیرون نیز اجزای مساعد با خود را

جذب می‌کند و اجزایی را که با آن دشمن باشند، به شدت دفع می‌کند و با آن معارضه می‌نماید. یعنی «**اشدء علی الکفار رحماء بینهم**» لازمه‌ی ولایت و توحید جامعه‌ی اسلامی است.^۱ ولایت، نشانه و سایه‌ی توحید است. ولایت، یعنی حکومت؛ چیزی است که در جامعه‌ی اسلامی متعلق به خداست و از خدای متعال به پیامبر و از او به ولیّ مؤمنین می‌رسد.^۲

توحید یک معنای شامل و عام و سایر در طول تاریخ است. معنا و روح توحید عبارت است از اینکه انسان از غیر خدا عبودیت نکند و در مقابل غیر خدا، جبهه‌ی بندگی به زمین نساید. این معنای عبودیت کامل و خالص است. قید و بندهایی که به بشر بسته می‌شود، هریک نوعی عبودیت برای انسان به وجود می‌آورد. عبودیت نظام‌های اجتماعی غلط، عبودیت آداب و عادات غلط، عبودیت خرافات، عبودیت اشخاص و قدرت‌های استبدادی، عبودیت هواهای نفسانی - که این از همه رایج‌تر است - و عبودیت پول، زر و زور. این‌ها انواع عبودیت است. وقتی می‌گوییم «لا إله إلا الله، وحده لا شریک له»، یعنی توحید خالص. معنایش این است که همه‌ی

۱ همان

۲. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۰۱/۰۲

این عبودیت‌ها به کنار رود که اگر چنین شود، فلاح و رستگاری، حقیقتاً حاصل خواهد شد. اینکه فرمود: «**قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلَحُوا**»، این فلاح یک فلاح حقیقی است. فقط فلاح سیاسی نیست، فقط فلاح اجتماعی نیست، فقط فلاح معنوی نیست، فقط فلاح روز قیامت نیست؛ بلکه فلاح دنیا و آخرت است.^۱ از بزرگ‌ترین مظاهر شرک در عصر حاضر، تفکیک دنیا از آخرت و زندگی مادی از عبادت و دین از سیاست است. گویی خدای دنیا- معاذ الله- جباران و زورگویان و چپاولگران و ابرقدرت‌ها و جنایت‌کارانند و استضعاف و استعباد و استثمار خلائق و علو و استکبار نسبت به بندگان خدا حق مسلم آن‌هاست و همگان باید پیشانی اطاعت برآستان تفرعن آن‌ها ساییده و در برابر زورگویی و غارتگری و میل و اراده‌ی بی‌مهار آنان تسلیم باشند و اعتراض نکنند.^۲

توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هر کس به جز خدا؛ یعنی گسستن بندهای سلطه‌ی نظام‌های بشری؛ یعنی شکستن طلسم ترس از قدرت‌های شیطانی و مادی؛ یعنی تکیه بر اقتدارات بی‌نهایتی که خداوند در نهاد انسان

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث، ۱۳۷۳/۱۰/۱۰

۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۶۸/۰۴/۱۴

قرار داده و از او به کارگیری آن‌ها را همچون فریضه‌ای تخلف ناپذیر، طلب کرده است؛ یعنی اعتماد به وعده‌ی الهی در پیروزی مستضعفین بر ستمگران و مستکبرین به شرط قیام و مبارزه و استقامت؛ یعنی دل بستن به رحمت خدا و نهراسیدن از احتمال شکست؛ یعنی استقبال از زحمات و خطراتی که در راه تحقق وعده‌ی الهی، آدمی را تهدید می‌کند؛ یعنی مشکلات راه را به حساب خدا گذاشتن و خود را به پیروزی حتمی و نهایی امیدوار داشتن؛ یعنی در مبارزه، چشم به هدف عالی که نجات جامعه از هرگونه ستم و تبعیض و جهل و شرک است دوختن و عوض ناکامی‌های شخصی و میان‌راهی را نزد خدا جستن؛ و خلاصه یعنی خود را مرتبط و متصل به اقیانوس لایزال قدرت و حکمت الهی دیدن و به سمت هدف اعلی، با امید و بی‌تشویش شتافتن. همه‌ی عزت و اعتلایی که به مسلمین وعده داده شده، در سایه‌ی چنین ایمان و درک روشن و عمیقی از توحید است.^۱ توحید یعنی نفی همه‌ی قدرت‌هایی که به نحوی جسم و جان آدمی را در قبضه‌ی اقتدار خویش گرفته‌اند و اثبات حاکمیت مطلق الهی بر همه‌ی وجود و به عبارت روشن و آشنا: حاکمیت نظام اسلامی و مقررات اسلامی بر زندگی فردی و اجتماعی مسلمین.^۲

۱. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۰/ ۱۳۶۹

۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۲۵/ ۱۰۲/ ۱۳۷۳

انقلاب اسلامی حرف نویی را به میان آورد. قسمت اعظم این حرفِ نو توحید بود؛ با معنای عمیق و دقیق و همه جانبه‌ی آن. توحید یعنی حاکمیت ارزش‌های الهی بر جامعه و نفی حکومت‌های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیان‌گر بر ارزش‌های انسانی و اصيل. بنابراین توحید ستون فقرات و رکن اساسی شعار اسلامی و پیام انقلاب اسلامی بود.^۱ اعتقاد به توحید، سازنده‌ی این عالم و سازنده‌ی زندگی است. هر چه ما به سمت توحید و عبودیت لله پیش برویم، شرطواعت و آنداد الله از سرما بیشتر کم خواهد شد. این، خاصیت توحید و خاصیت عبودیت لله است؛ این، آن رکن اول است.^۲

تکریم انسان

رکن دوم، تکریم انسان است؛ یا می‌توانیم به آن بگوییم انسان محوری. البته انسان محوری در بینش اسلامی، به کلی با اومانیسیم اروپای قرون هجده و نوزده متفاوت است؛ این‌ها فقط در اسم شبیه هم هستند. انسان محوری اسلام، اساساً اومانیسیم اروپایی نیست. کسی که قرآن و نهج‌البلاغه و آثار دینی را نگاه کند، این

۱. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان زنجان، ۲۲ / ۰۷ / ۱۳۸۲

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۲۱ / ۰۴ / ۱۳۷۷